

# نویسنده

(وابسته به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۴۶، شنبه اول مهر ۱۳۵۷

## کودنای شاه دورنمائی ندارد

طبقه کارگر ایران با تجربه در سهای هفته های اخیر آبدیده تر میشود

شاه و دهنه پس از ازکودن طایفه مردم و قتل عام هزاران آزاد بخواه در کوه راه و غیابانها بافتن شمشیر زنده آنها خشک گاه ها از مبارزان خدا سنجیدار و جاننازاد صیقل برست ، بخور در وضع مشکوک و متزلزل تران میشی می باید . هجوم وحشانه و خونین به مردم بی سلاح و بی مهارت منظم و سالم آذربایجان توسط به حکومت نظامی و تاراندن سگ های همسار ساواک به سوی مردم به ستوه آمد از در یک تانک و مستگرمی ، نه تنها کوه راه نفع آن نگذرد ، است ، نه تنها این به حریق طغیان خود و خاتمه بخشید است ، بلکه شکاف صیق و برزندگی بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان را بیشتر کرده ، آشفتگی سیاسی رژیم را مایه نترسانه ، تنگناهای اقتصادی و اجتماعی و تضاد های مزیستی را که در بطن رژیم وجود دارد ، شد بدتر و حاد تر کرده ، بهرغم و تاراضی و کینه و ناپایداری مردم و دامن زده ، مغفوق مخالفان را با همادید ، مسلطه ها و بدگاه های مختلف به هم نزدیک تر کرده ، برصحر و تضاد ریشه ای با خویش ، ریشه های مین و هنر و اشتداد صل و همکاری و اشتراک سامی همه جناح های مخالف رژیم مطلقه سلطنتی را مهیا تر نمود ، شامه و شوکری داخلی و خارجی او دهنه پس از کودتای چنانکارانه ، ملی قلم تسلط طاهری خود بر اوضاع ، از همسینه خیزوی تر صی با بگانه ترند ، کوهی از مشکلات و مرفی های علاج ناپذیر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که مولود سالیها ی طولانی خود گامگسی و جپاول و تضاد و سرسپردگی تا حد ننگی امپریالیسم و سرکب هرزغ ظاهر خواست و اراده ملی و حقوق فردی و مزیستی و اجتماعی است ، همچنین با برجامست . شاه می راند که اراده حکومت باشوید های شیوخ گذشته در شرایطی که تضاد نیروها هم در مرصه جهانی ، هم در سلفه و هم در داخل کشور به هم خورد و میزبان کودتای و شور مبارزاتی توده ها تا حد بی سابقه ای ارتقاء یافته است و دیگر نظیر نیست ، بازگشت به گذشته در یک حال است ، اراده وضع موجود برای مدت طولانی در برابر سازه سرزود و حکومت نظامی و در سد و پوت های انفرادی و سیاسی و اجتماعی ناشی از آن ، از بازگشت به گذشته محال تراست . می ماند تعمیر شیوه های گذشته ، بنمای آنها ، بازگردن به یکی ریزه ها و درجه های و پاره ای طب نفسی های اجباری ، و این همان راهی است که در طریقی چنه چنه چنان سالیها ی مزیستی از طاهرا و اعتراضی توده همسای

شاه و دهنه پس از ازکودن طایفه مردم و قتل عام هزاران آزاد بخواه در کوه راه و غیابانها بافتن شمشیر زنده آنها خشک گاه ها از مبارزان خدا سنجیدار و جاننازاد صیقل برست ، بخور در وضع مشکوک و متزلزل تران میشی می باید . هجوم وحشانه و خونین به مردم بی سلاح و بی مهارت منظم و سالم آذربایجان توسط به حکومت نظامی و تاراندن سگ های همسار ساواک به سوی مردم به ستوه آمد از در یک تانک و مستگرمی ، نه تنها کوه راه نفع آن نگذرد ، است ، نه تنها این به حریق طغیان خود و خاتمه بخشید است ، بلکه شکاف صیق و برزندگی بین حکومت کنندگان و حکومت شوندگان را بیشتر کرده ، آشفتگی سیاسی رژیم را مایه نترسانه ، تنگناهای اقتصادی و اجتماعی و تضاد های مزیستی را که در بطن رژیم وجود دارد ، شد بدتر و حاد تر کرده ، بهرغم و تاراضی و کینه و ناپایداری مردم و دامن زده ، مغفوق مخالفان را با همادید ، مسلطه ها و بدگاه های مختلف به هم نزدیک تر کرده ، برصحر و تضاد ریشه ای با خویش ، ریشه های مین و هنر و اشتداد صل و همکاری و اشتراک سامی همه جناح های مخالف رژیم مطلقه سلطنتی را مهیا تر نمود ، شامه و شوکری داخلی و خارجی او دهنه پس از کودتای چنانکارانه ، ملی قلم تسلط طاهری خود بر اوضاع ، از همسینه خیزوی تر صی با بگانه ترند ، کوهی از مشکلات و مرفی های علاج ناپذیر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که مولود سالیها ی طولانی خود گامگسی و جپاول و تضاد و سرسپردگی تا حد ننگی امپریالیسم و سرکب هرزغ ظاهر خواست و اراده ملی و حقوق فردی و مزیستی و اجتماعی است ، همچنین با برجامست . شاه می راند که اراده حکومت باشوید های شیوخ گذشته در شرایطی که تضاد نیروها هم در مرصه جهانی ، هم در سلفه و هم در داخل کشور به هم خورد و میزبان کودتای و شور مبارزاتی توده ها تا حد بی سابقه ای ارتقاء یافته است و دیگر نظیر نیست ، بازگشت به گذشته در یک حال است ، اراده وضع موجود برای مدت طولانی در برابر سازه سرزود و حکومت نظامی و در سد و پوت های انفرادی و سیاسی و اجتماعی ناشی از آن ، از بازگشت به گذشته محال تراست . می ماند تعمیر شیوه های گذشته ، بنمای آنها ، بازگردن به یکی ریزه ها و درجه های و پاره ای طب نفسی های اجباری ، و این همان راهی است که در طریقی چنه چنه چنان سالیها ی مزیستی از طاهرا و اعتراضی توده همسای

## نمایش درخیمان، بر روی

ویرانه های خونین طبس

فاجعه زلزله هراسان که آثارش باقی آن تاکنون ۱۶۶ هزار نفر تنگین زده شده است - یکبار دیگر اوج بی انصافی ، گد بدگی و باوه کوس و ویرانی های بی عمل رژیم ضد خلقی شاه را به طرز آشکاری در برابر مردم نهاد ، در حالی که رژیم با همه امکانات تبلیغاتی اش کوشش را از شرح کله های طعم شاه و شهبانو و سزایان های دولتی و ارتش به آسیب دیدگان کرد دست ، واقعتا ها حاکم از فطرت و سستی چنانکارانه صی تاوشی رژیم و سلولان حکومتی در رساندن باری های لازم به مناطق فاجعه زد مونیجا زیوار آمدن گان و محسیت در بیان است . طهیری نمایندگ کرمان در مجلس شه ساخته ، سه روز پس از وقوع حادثه ، در مصاحبه ای که روی ویرانه های فته انگیز طبعی با نماینده ای از ایشیک سرامی تلویزیون گفت - و به خاطر بخش مستقیم برنا به طرز فغانگیزانه ای از ایشیک سرامی تلویزیون گفت - و به خاطر و ناپایداری اظهار داشت : " من اینجا هیچ نشانی از کمک ارتش و دستگاه های دولتی نمی بینم ، هرگز نمی گفتم ، توسط خود مردم انجام شده می شود ، سپس آن همه ادعایی که درباره سرعت و گسترش کمک ها شده ، کجاست ؟ " طهیری در مصاحبه افشاگرانه اش که روی همه تبلیغات لگم گیمیت هم محتوا رژیم خط بطلان کشید ، سلولان حکومتی را به خاطر احوال و گدگی لاک پشتی اقدامات کله رسانی مورد ملامت قرار داد . اما چهار روز پس از وقوع زلزله ، راد بوی دولتی ، در گزارشات ۷ صبح روز چهارشنبه ، گوشه تکان دهنده دیگری از فطرتی و سستولتی رژیم بوی و کزنا را نشان کرد . راد بوی دولتی اعلام کرد : " روز پس از حادثه ، هنوز مردم با جسد نیمه جان را از زیر ویرانه ها بیرون نمی کنند ، در حالی که اگر اجساد هنوز زیر خروارها خاک ریخته اند ، آیا این اعتراض به روشنی مؤید آن نیست که اعزام هزاران نیروی ارتش و اکپ های کله به مناطق ویران شده بیش از آن که واقعتا داشته باشد ، تبلیغات توخالی و حرف و حرف است ؟

خبر بیرون کشیدن تعدادی جسد نیمه جان شهنواز در دخترک ۶ ساله از زیر خاله ها و ویرانه های زلزله پس از ۸۰ ساعت که با مرگ دست و پنجه نرم کرده بود ، خود ایتاد کرمان واقعتا است که در مصاحبه صدها نظیر شهنواز به علت فطرت و عدم احساس مسئولیت عوامل و سببوان رژیم - بر اعتراضه جارو جنجال و تبلیغات کرکنده به جای صل کردن ، باری رساندن و تلاش واقعی و مصممانه در جهت نجات آنها که هنوز امکان حیات شان وجود داشت ، زنده به گور شدند ، در حالی که می توانستند زنده بمانند . این همان واقعتا است که در روز بازید ستفا هراغه و چنبد دقعه ای شهبانو ، نماینده ایی نقاید ارتش کار در مصاحبه ای زجر دیده پیر مردی که با یله مامور دولتی تا چند روز پس از حادثه به ایشیک سرامی پی پهرورد از دور ویرانه ها خطاب به اکپ جلیل همسر شاه که برای خالص نبودن و برهمنه و زمینه سازی تبلیغات دولتی به طیب طیب بود ، نعره زد : " چه جای ایستادن و صرف زدن ، بهایید میزبان مارا از زیر خاک ها و سنگ ها بیرون بکشید ، کاری بکنید ... "

اگر بکنیم عدم آن نیرویی را که شاه در دو هفته گذشته برای گلوله باران کردن و کشتار مردم در نواحی که خرابی ها و غیابان های طعمه سبج کرده ، به مناطق فاجعه زده خراسان می فرستاد ، صدها مجموع آن قدر زبیر او را نمی ماند نه تا از سرنگی و تنگی و صدمات جزئی به نظیر زلزله انگیز می خشک گاه جان بپایزند ، هزاران مجروح و صدمه ریزها سرگردان در روستا ها آسیب دیده که با یله مامور دولتی تا چند روز پس از حادثه به آنها رسیدند ، تنها بسی پناه به امان خدا ، رها نمی شد ، نه هزاران جسد زیر خروارها خاک و آجر و خشت نمی گد بدند و مغفوق نشدند ، انواع میکروب بیماری راد و مدد جان سبه در درون گان نمی شد .

خبرنگاران " یوه " از مناطق آسیب دیده خراسان گزارش می دهند که ه روز پس از فاجعه نیز در روستا های دور دست اطراف طبس ، بنگ مامورسا و دیاله در صدمه ۲

بحال که بازگشت به گذشته صلا نامکن است ، در شرایطی که رژیم طرفیت گسترش رافمن نفی سیاسی و مرامت حقوق فردی و اجتماعی را که اراده این امتصاب و در صورت بروز ستن کارگران دیگر بالا بنگاه های ایران مسلح حکومت نظامی به چادرهای گ زین بجه کارگران در آن بودند شروع شد ، همچنان ادامه دارد .

طبق آخرین گزارش هنیز از طرف جمع یکه سازمان های مسئول و نقش تمامی با کارگران امتصابی برای رسیدگی به خواست هایشان گرفته بودند است .

رژیم صمی در ادعای توجیبی خلق نسبت به این امتصاب برصحر ، کارگرها مبارز بالا بنگاه تهران را به زانو در آورد ، اما کارگران به همین می مانند با اعتماد این امتصاب و در صورت بروز ستن کارگران دیگر بالا بنگاه های ایران به آنها پشتیبانی برادران طبقاتی شان دردیگر و مدد های کار رژیم به زانو در خواهد آمد و به عام خواست های آنها گردن خواهد گذاشت .

مازده کارگران شرکت نفت در موت می کشم برای همدردی و کله به پیروزی امتصاب برصحر کارگران بالا بنگاه تهران ، به امتصابکارچه آنها میبوندند . و نیز از همه کارگران ایران می خواهیم که به هر صیله به مبارسی برادران امتصاب خود پشتیبانی پشتیبانی فعال میکارویان خود است ، نیر امتصابی را که جزئی از نیرو طبقاتی همه کارگران ایران است ، به پیروزی برسانند .

۱- مشکل سکن که با وام های سکن اندکی که به برخی از کارگران که پنج سال سابقه کار دارند می دهند حل شده نیست ، ۲- وضع نامحسان ن بد است و درمان کارگران که با وجود پرداخت حق بیمه نمی توانند از خدمات درمانی لازم بهره گیری کنند ، ۳- باین بودن دستمزد ها به نسبت رشد سگی هزینه ها روزم ۴- عدم پرداخت کابل و بود بود کارگران ، ۵- نپرداختن حق کارگاهی به کارگران در صورتی که با گردن برداخت می شود ، ۶- عدم پرداخت لباس کار و کفش برای کارگران ، ۷- عدم اجرائی در قسب طبقه های مختلف ، ۸- کارگران خواستار ایجاد نمازخانه و کتابخانه در سطح کارخانه است ، ۹- کارگران خواستار ایجاد دوره های آموزشی و تشعشع هستند .

کارگران در ماه پیش به دلیل آن که به خواست هایشان توجه نمی شد دست به امتصاب گذا زدند و مدت بعد طی نامه ای ۱۰۰ روزه مسئولان شرکت را در نه به خواست هایشان رسیدگی کنند و اعلام داشتند که در ضمن صورت با اعتماد خود مطالب بالا بنگاه چادر خواهند زد . پس از این با این سبب واداعه بی توجیبی مسئولان در روز جمعه ۱۷ شهریور رضایی در کوشش دیگری از شجرد درخیمان شاه رگبار گلوله باران طرف مردم معترض به اراده رژیم جپاول و فرات و اختناق باز کرده بودند و خیسایان نامی شهنواز با خون هزاران آزاد بخواه گلگون کرده بودند ، همین از ۲۰۰ خانواده متعلق به کارگران بالا بنگاه مقابل بالا بنگاه چادر زدند اما رژیم مورد هجومی هزاران

۲۰۰ کارگرفتن بالا بنگاه تهران به عنوان اعتراض به بی توجیبی مسئولان نسبت به خواست هایشان از روز ۱۹ شهریور و دست از کار کشید . اند کارگران اعلام داشتند که چهارشنبه پیش آنها را به روجبیر به معصوبت در حزب رستاخیز کرده اند ، در حالی که هرگز نمیفند به این حزب برنامیسی نی خود اند ، آنها خواهان اجرای ماده اول قانون کار هستند که بر اساس آن بنگاه باید کارگری به حد اقل خارج خوراه ، پوشاک و سکن و بهداشت یله خانواده به کارگرفتنی را تأمین کند ، در حالی که با دستگیری ک اکسون به کارگران پرداخت می شود ، آنها کد اکرمی توانند با ششمی نیمه سیر در بجموله ای به نام سکن سرکنند . کارگران نمی بالا بنگاه تهران از دروسال پیش به وقف برای انجام خواست هایشان با رژیم جپاول و لگنهاده - ساواک در سازمان بوده اند اما در بار بانه بد و ارهاب و دعه آنها راه سرکارشان باز کرده اند و غارت نیروی کارشان را از سر گرفته اند .

این کارگران چهار سال پیش برای نخستین بار به عنوان اعتراض به شرایط بد کارگران سکن و ستمد و حق سکونت از کار کشیدند و سال گذشته نیز طی یله نامه ۲۲ صفحه ای کله خواست های خود را اعلام داشتند و در پیشتی از آن را در اعتراضی به مدیر بالا بنگاه ، بد مرامت شرکت نفت و دیگر مقامات مسئول دولتی گذاشتند اما هیچ یکه از آنها توجیبی به این خواست های مشروع نکردند . خواست و مشکلات کارگران عبارت بوده است از :

## با اعتصاب عمومی سراسری کودنای نظام شاه را خنثی کن!